

ترجمه

نامه سرگشاده سازمان سوسیالیست های ایران
به وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا *

اظهار تشکر از وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در رابطه با اتخاذ موضع در مخالفت با انتخابات غیر قانونی ، غیر دموکراتیک و تقلبی در ایران

خانمها و آقایان محترم

علاقتمند بنمایندگی از سوی سازمان سوسیالیستهای ایران ، یک تشکیلات سوسیال دموکرات که خود را بخشی از نیروهای طرفدار دکنتر مصدق می داند از موضع اتخاذ شده از سوی شما در مخالفت با انتخابات غیر قانونی، غیر دموکراتیک و تقلبی در ایران تشکر کنم. حقوق بشر ، قوانین جهانشمولی هستند که شامل تمام مردم جهان ، صرفنظر از ملیت ، نژاد ، مذهب ، جنسیت ... می شوند.

خواست تحقق حقوق بشر و مخالفت با پامال شدن آن نمی تواند بمعنی دخالت در امور داخلی یک کشور تلقی شود، چونکه حقوق بشر مرز جغرافیائی نمی شناسد و صاحبان قدرت در ایران همچون دیگر کشور ها ، که این حقوق را بعنوان عضو سازمان ملل برسمیت شناخته اند ، موظف بمرحله اجرا در آوردن آن هستند.

در انتخابات غیردموکراتیک ۲۰ فوریه ۲۰۰۴ (اول اسفند ۱۳۸۲) ایران بر پایه " حکم " غیر قانونی، رهبر مذهبی جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه ای ، روحانیت عضو شورای نگهبان، افرادی که از سوی مقام رهبری منصوب می شوند، از قبل، تصمیم به حذف تمام نامزدهای نمایندگی که طرفدار حاکمیت قانون، اصلاحات و مخالف استبداد مذهبی بودند، از لیست نامزدهای نمایندگی گرفته بودند، عملی که در مغایرت با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

آیت الله احمد جنتی سخنگوی شورای نگهبان ، بنا بر خبر سایت " امروز " (۱۹ اسفند ۱۳۸۲) ، در گزارشی که در باره چگونگی روند انتخابات به " مجلس خبرگان " ارائه داده است ، مطرح نموده است که شورای نگهبان چگونگی روند انتخابات - حذف کاندیدهای نیروهای مخالف - را ، بنا بر دستورالعمل و رهنمود های مقام رهبری ، آیت الله سید علی خامنه ای بمرحله اجرا در آورده است.

مشاور ویژه مقام رهبری ، آیت الله علی اکبر ناطق نوری (رئیس سابق مجلس شورای اسلامی و نامزد نیروهای طرفدار آیت الله سید علی خامنه ای برای مقام ریاست جمهوری که مورد تایید مقام رهبری نیز بود، در مقابل سید محمد خاتمی) ، همچنین " رد صلاحیت " کاندیدهای نمایندگی مجلس را ۱۲ روز قبل از برگزاری انتخابات بطور مغرورانه بحساب مدیریت مقام رهبری گذاشت (سایت " امروز " ۱۸ و ۱۹ بهمن ۱۳۸۲). جالب اینکه گفتار ایشان از سوی دفتر مقام رهبری تکذیب نشد.

متأسفانه برگزاری این انتخابات غیردمکراتیک توسط دولت سید محمد خاتمی، فردی که قبلاً خواست تحقق حاکمیت قانون را تبلیغ می کرد و بدین خاطر از سوی مردم با اکثریت بسیار بزرگی بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد، بر خلاف خواست مردم ، بمرحله اجرا در آمد.

شورای نگهبان به بیش از ۲۴۰۰ نفر از کاندیدهای منتسب به طرفداران " اصلاحات " ، اجازه شرکت در انتخابات را نداد ، آنهم بدلالی از جمله این که ، این افراد در بازجویی های شورای نگهبان ، حاضر نشده بودند برای مقام رهبری ، حقوقی بیشتر از حقوقی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین شده است برسمیت بشناسند. بدین خاطر تعداد بسیاری از نمایندگان کنونی مجلس، حق اجازه کاندید شدن برای نمایندگی دوره آینده مجلس را پیدا نکردند.

۱۲۴ نماینده مجلس بخاطر اعتراض به این وضع استعفا دادند و در ساختمان مجلس دست به اعتصاب زدند، تا توجه افکار عمومی جهان را نسبت به وضع حاکم بر ایران جلب کنند.

شورای نگهبان در بیش از نصف حوزه های انتخاباتی فقط به کاندیدهای اجازه شرکت در انتخابات را داد ، که وابسته به جناح طرفدار رهبر مذهبی آیت الله سید علی خامنه ای بودند (ائتلاف " آبادگران ") . این عده دستورات و احکام مقام رهبری را بالاتر از اصول قانون اساسی می دانند ، با وجود این دست به تقلب زدند تا بتوانند خواست اکثریت شدن را تضمین کنند. وزیر کشور موسوی لاری ، طی نامه ای خطاب به رئیس جمهور سید محمد خاتمی متذکر شده است که شورای نگهبان در حوزه های انتخاباتی استان های مازندران ، خراسان ، فارس ، چهارمحال و بختیاری سعی دارد نتیجه آراء انتخابات را بنفع طرفداران خود تغییر دهد. (سایت ایسنا - سایت خبرگزاری دانشجویان ایران / ۲۴ اسفند ۱۳۸۲).

انتخابات اخیر نشان داد ، با وجود اینکه تمام اپوزیسیون از حق فعالیت سیاسی قانونی محروم شده اند و بسیاری از سازمانها و احزاب سیاسی غیر قانونی شناخته می شوند ، روزنامه های انتقادی بسته شده اند و رادیو و تلویزیون به دستگاه تبلیغاتی مقام رهبری تبدیل شده اند، نفوذ مقام رهبری و نیروهای طرفدار ایشان در بین مردم ایران ، کمتر از ۱۵ درصد می باشد .

اما ضروریست در اینجا خاطر نشان کرد که نیروهای اپوزیسیون که از خواست جدائی دولت و دین پشتیبانی می کنند و بر حقوق بشر ، آزادی و دمکراسی تاکید می ورزند ، همچون احزاب و سازمانهایی مانند " جبهه ملی ایران " (تشکیلاتی که دکتر محمد مصدق در سال ۱۹۴۸ تأسیس کرد) ، " نهضت آزادی ایران " (تشکیلاتی که مهدی بازرگان در سال ۱۹۶۰ تشکیل داد) و حزب ملت ایران (حزبی که داریوش فروهر در سال ۱۹۵۱ تشکیل داد) ، ... که اعضای کابینه مهدی بازرگان بعد از انقلاب ۱۳۵۷ از جمع آنها بود و همگی از طرفداران دکتر مصدق بودند، حالا بعنوان شهروندان جمهوری اسلامی ایران هیچگونه حق سیاسی ندارند.

حتی رئیس جمهور سید محمد خاتمی ، که در جهان شهرت یک رفرمیست و اصلاح طلب پیدا کرده است ، متأسفانه حاضر نیست برای نیروهای لائیک ایران ، یعنی تمام نیروهای

دمکرات ، لیبرال ، سوسیال دمکرات ، چپ و کمونیست ، حقوق سیاسی قائل شود . او بغلط نیروهای لائیک را دشمن دین تصور می کند. در حالیکه او می داند این نیروها فقط جدائی دولت از دین را خواستارند و این خواست نمی تواند بمعنی نفی و دشمنی با دین محسوب شود.

یک بخش بزرگی از نیروهای اپوزیسیون ایران ، انتخابات را تحریم کردند ، یک بخش دیگر بطور علنی اعلام کرد بدین خاطر که در انتخابات به نامزدهای گروه های وابسته به طیف های مختلف سیاسی اجازه شرکت داده نشده است و رادیو و تلویزیون بعنوان صدای آیت الله خامنه ای، در پخش اخبار تقلب و تحریف می کند و نظرات و عقاید نیروهای مخالف را وارونه جلوه می دهد و به دگر اندیشان تهمت و افتراء می زند ، در انتخابات شرکت نمی کنند.

با وجود اینکه مقام رهبری آیت الله سید علی خامنه ای، رئیس جمهور کشور، سید محمد خاتمی و رئیس مجلس ، مهدی کروبی از مردم خواستند تا در انتخابات شرکت کنند و حتی روحانیت دولتی و خطاب نماز جمعه، شرکت در انتخابات را " وظیفه شرعی " مردم قلمداد نمودند (البته باید خاطر نشان کرد که آیات عظام منتظری ، موسوی اردبیلی ، صانعی ، وحید ، بشیری ، زنجانی ، بهجت ، داود تبریزی ... از مردم نخواستند تا در انتخابات شرکت کنند) ، شرکت مردم در انتخابات در شهرهای بزرگ که مسائل محلی و اختلافات قومی در آنها کمتر نقش دارد ، در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بود.

شرکت کنندگان در تهران ۱۸۴۲۴۰۳ نفر ، یعنی ۳۲،۱۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند (در ۴ سال قبل ۵۵،۹۱ درصد) ، البته ۱۶ درصد از این آراء نیز باطل و یا سفید بوده است (سایت " امروز " ۶ اسفند ۱۳۲۸) .

در شهرهای تبریز ۳۱،۷۸ درصد (در ۴ سال قبل ۵۴،۲۲ درصد) ، شیراز ۳۱،۸۶ درصد (در ۴ سال قبل ۴۸،۸۲ درصد) ، اصفهان ۳۲،۱۹ درصد (در ۴ سال قبل ۴۷،۴۵ درصد) ، اراک ۳۲،۷۹ درصد (در ۴ سال قبل ۶۳،۰۵ درصد) ، درسندج ۳۹،۳۱ درصد (در ۴ سال قبل ۶۲،۳۹ درصد) در کرمانشاه ۳۵،۹۴ درصد (در ۴ سال قبل ۶۳،۳۹ درصد) ، در رشت ۳۴،۵۰ درصد (در ۴ سال قبل ۵۶،۵۸ درصد) ، در ارومیه ۳۶،۰۵ درصد (در ۴ سال قبل ۵۸،۸۱ درصد) ، ... ولی در تمام این شهرها ۱۰ تا ۱۵ درصد از آرائی که به صندوق های رأی ریخته شده بود ، باطل بوده اند.

در ۴ سال قبل ، نماینده اول تهران ، برادر رئیس جمهور خاتمی ، آقای دکتر محمد رضا خاتمی ۱۷۹۴۳۶۵ رأی کسب کرد ، ولی چون ایشان بر حاکمیت قانون تاکید ورزید و با قانون شکنی مخالفت نمود ، اجازه شرکت در انتخابات کنونی را پیدا نکرد (او عضو مؤسس و رهبر حزب " جبهه مشارکت اسلامی ایران " است) ، اما در انتخابات کنونی ، پدر شوهر دختر " مقام رهبری " ، آقای دکتر غلام علی حداد عادل بعنوان نماینده اول تهران ۸۴۲۶۴۵ رأی کسب کرده اند، یعنی ۹۵۱۷۲۰ رأی (۵۳،۰۳ درصد) کمتر از دکتر محمد رضا خاتمی در ۴ سال قبل.

با وجود اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۱۰ قانون اساسی برای رهبر مذهبی ایران حقوق بسیار زیادی قائل شده است ، آیت الله سید علی خامنه ای همچون یک حاکم مستبد، برای " حاکمیت قانون " ارزشی قایل نیست و فراقانونی عمل می کند. ایشان چنین تصور دارد که احکامش بعنوان " مقام رهبری " ، ارزشی بالاتر از " قانون " دارد .

با توجه به این امر که، انتخاب مقام رهبری و یا عزل ایشان بخاطر پایمال کردن و بی توجهی به قانون اساسی، طبق اصل ۱۰۹ همین قانون اساسی انجام می گیرد و در اصل ۱۰۷ آن صریحاً ذکر شده است که "... رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است."

آیت الله روح الله خمینی رهبر انقلاب، در سخنرانی های تبلیغاتی اش قبل از انقلاب ۱۳۵۷، در فرانسه و پس از مراجعت به ایران، به تبلیغ خواست "حق تعیین سرنوشت مردم ایران توسط خود مردم" دست زد، در همین رابطه بود که بخش بسیار بزرگی از مردم ایران، از جمله تمام نیروهای سیاسی وابسته به طیف های مختلف سیاسی، ناسیونالیست های وطن پرست، لیبرال ها، دمکرات ها، چپ ها، سوسیال دمکرات ها، کمونیست ها... از ایشان دفاع کردند. اما "حق تعیین سرنوشت" هیچ گاه شامل حال ایرانیان نشد. حاکمین جدید به سیاست متکی بر قیمومیت انسان ها در ایران همچنان ادامه داده اند. حقوق دمکراتیک مردم ایران توسط آیت الله های طرفدار آیت الله خمینی و طرفدارانشان، به سرقت می رود، البته بنام "خدا".

به این امید که در اثر فشار افکار عمومی جهان و همبستگی انسانها و سازمانهای طرفدار آزادی، ملت ایران موفق شود تحت نظرات ناظرین سازمان ملل متحد، انتخابات آزاد و دمکراتیکی برگزار کند که تمام احزاب و سازمانهای سیاسی ایران، همچنین سازمانهای لائیک دمکرات، لیبرال، چپ، سوسیال دمکرات و کمونیست... با برخورداری شدن از حقوق برابر، بتوانند در آن شرکت نمایند.

در خاتمه ضروریست یاد آور شد که بعد از انتخابات غیر دمکراتیک، غیر فانونی و تقلبی اول اسفند ۱۳۸۲، خواست انتخابات برای برگزاری "مجلس مؤسسان"، مجلسی که در باره قانون اساسی دمکراتیک به مشورت پرداخته و تصمیم بگیرد، از پشتیبانی بخش بزرگی از مردم ایران، بخصوص ساکنین شهرهای بزرگ همچون تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، اراک، مشهد... و دانشجویان و دانشگاهیان و تقریباً تمام نیروهای اپوزیسیون برخوردار می شود.

ملت ایران بخاطر متحقق کردن حقوق بشر در ایران، احتیاج به همبستگی تمام آزادیخواهان و طرفداران حقوق بشر در جهان دارد.

با کمال احترام
از سوی هیئت اجرائی سازمان سوسیالیست های ایران

دکتر منصور بیات زاده

۲۵ اسفند ۱۳۸۲ برابر با ۱۵ مارس ۲۰۰۴

[Socialistha @ois-iran.com](mailto:Socialistha@ois-iran.com)
www.ois-iran.com

* - همچنین با ارسال نامه به تمام شخصیتها ، سازمانها ، احزاب و فراکسیون های حزبی که انتخابات مجلس در ایران را مورد تائید قرار نداده و به پایمال شدن حقوق دمکراتیک مردم ایران اعتراض کرده اند، تشکر شد.